



«مواظب باشید در دام عنکبوت های دنیادار، دکان دارنیتید. این روزها دکان دارهایی به اسم معنویت ادعا می کنند امام(عج) را دیده اند که هیچ واقعیت ندارد. حواستان باشد که اسیر آنها نشوید.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی

تلاش دستگاه های مختلف برای شناسایی و دستگیری افراد و گروه هایی که با سوءاستفاده از احساسات مذهبی مردم، ادعای خدایی، پیامبری، مهدویت، ملاقات با امام زمان(عج)، داشتن علم غیب، انرژی های مافوق انسانی، شفابخشی، چشم برزخی و از این دست موارد می کنند، بویژه در سال های اخیر همیشه استمرار داشته است؛ با این حال به نظر می رسد، در زمینه هماهنگی دستگاه های مختلف و رفع کمبودهای قانونی در مورد مدعیان دروغین امام زمان(عج)، نیاز به تلاش های بیش تری احساس می شود.

مدعیان خود را پشت یک نقاب بزرگ پنهان می کنند و بگونه ای خویش را جلوه می دهند که احترام و توجه دیگران را برانگیزند. نکته ای که اغلب افراد مدعی را به افرادی ضد اجتماع تبدیل می کند این است که این جلب محبت برای دیگر افراد جامعه آسیب رسان و زیانبار می شود. از عوارض ظهور مدعیان دروغین میتوان به این موارد اشاره کرد:

رواج عوام زدگی

کسی می آید و دستهایش را بالا میگیرد تا مردم از زیر دستهایش رد شوند یا از پشت تلویزیون از این قاره به آن قاره انرژی می فرستد. عده ای هم ادعا میکنند که اثربخش بوده و شفا یافته اند و حتی مدعی میشوند که در دادگاه شهادت میدهند! بررسی این ادعاها برای کسانی که در خانه هایشان پشت تلویزیون نشسته اند عملاً امکان پذیر نیست اما نتیجه آن می شود که ساده دلان باور می کنند و حاضرند برای حضور در یک جلسه بلیط چند ده هزار تومانی تهیه کنند که معلوم نیست مجوز این تعیین نرخ بر اساس کدام تعرفه بوده است؟ تجربه این سالها و میزان درآمد خیلی از مدعیان نشان می دهد عوام زدگی رواج قابل ملاحظه ای داشته است. با ادامه این روند طبیعی است که باید شاهد تنزل سطح فرهنگ جامعه باشیم.

رکود و جمود فکری ناشی از عوام زدگی

تعقل و تفکر با عوام زدگی رابطه عکس دارد و رشد سطحی نگر با عمق نگر در تضاد است. جایی که عقلها به چشم ظاهر است و سوال کردن فراموش می شود سودجویان پیش می برند .

در جامعه ای که عوام زدگی رواج می یابد تعداد سودجویانی که با الگو گرفتن از چنین راههایی و به دنبال دم دست ترین راه پولدار شدن هستند رشد قارچ گونه پیدا می کنند و بطور روز افزون اینگونه مدعیان (انواع مختلف مدعیان باطنی) افزایش می یابند. اگرچه هم اکنون نیز روند روبه رشدی داشته اند. رواج شرکت های هرمی که آثار سوء بسیاری را برای مدتها ی مدید گریبانگیر جامعه کرده ناشی از همین سطحی نگر است.

خطر رشد سکولاریسم در قشر روشنفکر جامعه

یکی از مدعیان درمانگری همیشه با تاکید بر این نکته که "شفا دست خداست شاید خوب شوید شاید نشوید!" به زعم خویش خود را از هر اتهامی مبرا می کند. اما آیا واقعا به همین سادگی است؟

وقتی قشر روشنفکر که عموماً آشنایی عمیقی با متن دین ندارد می بیند فردی با ادعای توانایی فوق انسانهای عادی، کسبی پرمفعت به راه انداخته و در توجیه کارش آنرا خدایی و ماموریتی الهی قلمداد میکند و هر جا کم می آورد از نام خدا و آیه های قرآن مایه می گذارد و خود را فردی مذهبی جلوه میدهد و از آنطرف ساده دلان و زودباوران نیز ادعایش را به مبالغه گزاف می خردند، مستعد به دام افتادن در تفکر سکولاریستی می شود. اینگونه مدعیان مبلغان بسیار خوبی برای سکولارها هستند. چون دقیقاً مطابق میل آنها تعریفی خرافی، تحریف شده و سطحی از مذهب ارایه می دهند.

دین گریزی و تضعیف ایمان

غیر از روشنفکران همان زودباوران ساده انگار وقتی به این نتیجه می رسند که اگر خوب نشده اند پس خدا نخواست، چه برداشت و ذهنیتی از رحمت و حکمت خدا پیدا می کنند؟ چه بر سر ایمانشان می آید؟ یکی از همین مدعیان درمانگر صریحاً نگفته است که من یک شفاگرم اما با مقایسه صوت خود با صوت شفابخش حضرت داوود و تاکید بر اینکه نیرویش خدادادی و کار او خدایی و ماموریتی الهی و معنوی است آیا غیر از این ادعاست که خود را شفاگر می داند یا برای ساده دلان اینگونه وانمود میکند؟ این فرد پس از آنکه با یکی از شبکه های ماهواره ای تضاد پیدا کرد در تلویزیون دیگری گفت:

"من از همه شفا یافتگان میخواهم که دیگر نباید این تلویزیون را نگاه کنند. من ناراضی ام و اگر نگاه کنند بیماری شان دوباره برمیگردد!"

بعد از این مردی به آن شبکه زنگ زد و با وجود اطلاع از افشاگری هایی که در مورد دروغهای او شده بود از وی درخواست داشت که نفرین نکند! و می ترسید که پسرش دوباره بیمار شود!

شفا فقط به اذن خداست. نیروی خدادادی به ثمن مادی داده نشده که به قیمت مادی فروخته شود. از اولین نشانه های شفاگری، نبودن بعد مالی و منفعت طلبی است. چقدر تاسف بار است که هنوز بسیاری از مردم جامعه فرق شفاگران الهی را با مدعیان دروغگو نمی‌دانند!

افزایش نارضایتی و سرخوردگی

چه بسیار افرادی که مبالغ میلیونی پرداخته اند و با رسیدن به هیچ، در ناکامی و سرخوردگی فرو رفته اند. پولها می‌رود و آنچه بجا می‌ماند احساس فریب خوردگی و سرخوردگی از عدم جبران اشتباه است. اغلب این احساس سرخوردگی به همه چیز و همه کس به ویژه دولت و دست اندرکاران تعمیم می‌یابد. همان قصه شکستن کاسه‌ها بر سر یکی که دیوارش از همه کوتاهتر است و این موافق دیوار دولت و حکومت از همه کوتاهتر است! از طرفی بی‌اعتمادی و بدگمانی افزایش می‌یابد و نوعی نگرش پارانوئیدی در جامعه گسترده می‌شود و حس نارضایتی را به همه چیز تعمیم می‌دهد. همه اینها به یک نتیجه ختم می‌شود: عقب ماندگی هرچه بیشتر جامعه آنهم در زمانی که شتاب پیشرفت جوامع به روز محاسبه می‌شود.

در جامعه ای با رفتار عوام زده و سطحی‌نگر، شایعات حرف اول را می‌زند و شایعه سازی یکی از مهمترین ابزار دشمن برای تفرقه انداختن و پیشبرد اهدافش است. آنهم در زمانی که دشمن تا پشت مرزهای ما آمده و از هر شکاف و سوراخی آماده پاشیدن زهرخود است

نمونه هایی از ادعاهای مدعیان دروغین

مدعیان دروغین هرکدام ادعاهایی را مطرح می‌کنند به این حقه دیگران را فریب می‌دهند و به جذب مرید می‌پردازند؛ ادعاهایی چون: دیدن ویا ارتباط با ائمه اطهار(ع)، ارتباط با عوالم غیب و ملکوت، داشتن رسالت وماموریت، مهدویت و تعیین تاریخ ظهور، پیامبری و نبوت، دانستن شعور کیهانی، علوم باطنی و داشتن انرژیهای عوالم هستی، طالع بینی و ستاره شناسی، رفع حاجات و مشکلات دیگران با دادن طلسمات، داشتن موکل، همزاد و جن، داشتن عقل کل، علم لدنی و نفس گرم، خواندن درون دیگران از طریق رویابینی، طالع بینی و فال، تاثیر داشتن اذکار و اورادی (غیر ماثوره) که با روش های مخصوص به دیگران می‌دهند، پیش گویی، آینده نگری و اتفاق افتادن حوادث طبیعی (زلزله، توفان "سونامی" و...)، شفا دادن از طریق گفتار، لمس کردن و انرژی درمانی، ادعای داشتن مقامات آسمانی، باخبر بودن از ذخایر زیرزمینی (طلا، زیرخاکی و...)، داشتن روش های تربیتی و اخلاقی و هنرهای زیستن، آشنایی با خواص مواد و اشیا (سنگ ها، گل و گیاه و...) و داشتن خواص حروف و اعداد و علوم غریبه.

قابل توجه است که اغلب افرادی که فریفته این مدعیان می‌شوند، زنان و دختران جوان هستند و اکثر مردان مدعی نیز به فساد اخلاقی آلوده اند.

زنان مدعی

بعضی از مدعیان دروغین را زنان تشکیل می‌دهد. مثلاً فردی به نام "ف.آ" که برای سخنرانی های مذهبی به منازل مختلف تهران دعوت می‌شد، ادعا کرده بود که نعوذ بالله "امام زمان(عج)" راننده شخصی اش است و هرکسی که می‌خواهد حوائجش برآورده شود می‌تواند به او مراجعه کند و مبلغی را به او بدهد. جالب توجه است که این فرد توانسته بود زنان بسیاری را فریب دهد و مریدانی گرد خود جمع کند. این مریدان به نام این مدعی کتاب هایی را درباره امام زمان(عج) منتشر کرده بودند. یا فردی با اضافه کردن رقص سماع به نماز، "نماز امام زمان" را ابداع کرده و مدعی شده بود تکیه کلام امام را می‌داند. همچنین "م.و" که از هلند به ایران آمده بود، مدعی شده بود که پیغمبر فرقه اسماعیلیه است. او احکام حرام را حلال و تمامی احکام حلال را حرام اعلام کرده بود. بعضی از این زنان با روش های ابداعی «دعا درمانی» و «انرژی اذکار» از مردم اخاذی می‌کنند. مثلاً «م.ل» با برگزاری دوره های شش جلسه ای انرژی اذکار از هر مرید خود 150 هزار تومان دریافت می‌کرد. البته بعضی از ارقامی که مدعیان اخاذی می‌کنند آن قدر بالا است، که این مبلغ زیاد به چشم نمی‌آید و علاوه بر توهین به مقدسات دینی در سخنرانی های خود، مریدانش را به خواندن فارسی نماز و قرآن سفارش می‌کرد. زنی نیز به نام «ب.د» مدعی شده بود که یارششم امام زمان است. این زن به شیوه های مختلف به اخاذی از مردم می‌پرداخته است. برای نمونه يك خانم پزشك جوان فریفته این زن مدعی شده بود و 77 میلیون تومان در این راه باخته بود.

مدعیان پیامبری

بعضی از «عنکبوتان دنیا دار» مدعی پیامبری هستند. این افراد که فریب به اتفاق بی‌سوادند با دست بردن در دین اسلام، مدعی اند که بشارت دهنده دین تازه ای هستند. مثلاً «عباس ن.» که اصالتاً عراقی است در غرب کشور کعبه ای بنا نهاده و مریدان خود را به آن فرا خوانده بود. وی اعتقاد داشت که نباید «مرگ بر اسرائیل» را بر زبان جاری کرد. زیرا بنی اسرائیل پدران ما هستند و مگر می‌شود به پدران مان فحش داد. این اعتقاد وی، گمانه زنی ها را در ارتباط با اینکه بعضی از جریانات منحرف از لابی های صهیونیستی سرچشمه می‌گیرند، قوت می‌دهد.

بعضی از این پیامبران دروغین، وضو نماز جدیدی را ابداع کرده اند. مثلاً سوره توحید را در نماز بدون «قل» می‌خوانند و این گونه توجیه می‌کنند که در نماز خطاب ما خداوند است و نباید به خداوند دستور داد! این پیامبران نیز از اتهام اخاذی میرا نیستند. به عنوان نمونه یکی از این مدعیان متهم به يك فقره 800 میلیونی کلاه برداری است.

مدعیان تحصیل کرده

بخش دیگری از مدعیان دروغین، کسانی هستند که از تحصیلات عالی برخوردارند و بعضاً مدتی را نیز در حوزه های علمیه گذرانده

اند ولباس روحانیت برتن داشته اند. این افراد با بحث وگفتگوهای طولانی با اشخاص به فریفتن و جذب آنان می پردازند و اغلب مریدان این افراد مدعی را تحصیل کرده ها تشکیل می دهند. بعضی از این مدعیان میان شیعه و سنی اختلاف می افکنند و مریدان خود را به ازدواج های تشکیلاتی ترغیب می کنند.

روش های اعمال نفوذ مدعیان دروغین

به نظرمی رسد هرکدام از مدعیان با روش هایی خاص برای پیشبرد اهداف خود تلاش کرده و می کنند. نشان کردن و جذب افراد ساده دل و زودباور، گفتن دروغ های بزرگ برای جذب تک تک مریدان به طور جداگانه، اخاذی پنهان از مریدان، پنهان کاری در روابط خود با مریدان، صدور فتوی و دستورات فقهی برای مریدان بدون ارجاع دادن ایشان به مراجع عظام تقلید و ادا کردن مریدان به انجام روش های خرافی و غیراخلاقی، از جمله این روش ها است. همچنین بعضی از این مدعیان دروغین از روش های تعبیر خواب های مریدان به نحو غیراصولی، تفسیر به رای و تاویل آیات و احادیث برای مریدان، تکفیر اشخاصی که با عقاید آنها مخالفت می کنند، ارائه جزوات حاوی دستور العمل های خاص و اختلاف افکن، مسافرت به صورت اردویی برای تحت تاثیر قرار دادن مریدان و برای انتخاب زوج معرفتی، تعیین وظیفه و دادن مأموریت به مریدان، نفوذ دادن مریدان و جمع آوری اخبار و اطلاعات از مراکز مورد نظر، نامه نگاری به برخی مراکز موجه برای اثبات حقانیت خود، تلاش برای جدا کردن همسران و متلاشی کردن بنیان خانواده ها و دستور طلاق و یا ازدواج های تشکیلاتی، برای رسیدن به مقصود خود استفاده می کنند.

مدعیان دروغین طریقت های عرفانی

بخشی از عنکبوتان دنیادار کسانانی اند که مدعی طریقت های عرفانی هستند. طریقت های روان شناختی و روانکاو و ورود به حیطه علوم باطنی اکنون یکی از روش های مطلوب و گرایش های موجود در جامعه به شمار می آید، مانند طریقت یوگا که اساسا خاستگاه هندی دارد. در این تفکر با نگرش عرفانی و مراقبه و آرامش جان رهروان مد نظر قرار می گیرد، به طوری که رسیدن به موجودی خیالی و خلسه در این مقام، بهترین روش به حساب می آید و گاه با فنون هیپنوتیزم آمیخته شده و آنگاه به مسائل غیر اخلاقی، شیادی و... کشیده می شود. مدعیان این طریقت های عرفانی از طریق پایگاه های اینترنتی، به آموزش تفکرات خود می پردازند و از این طریق مریدان خود را به تجمع در مکان های مختلف برای تشکیل جلسات روان شناختی و رسیدن به آرامش جمعی دعوت می کنند.

عوامل روی آوردن جوانان به فرقه های عرفانی

کارشناسان عواملی چون: رشد مهاجرت ها، سفرها و ارتباطات مختلف در قالب گروه های فرهنگی و هنری، تبلیغات بعضی از شبکه های ماهواره ای، رشد وبلاگ ها و چت روم ها با موضوعات فوق، عدم اطلاع رسانی و آگاه سازی به موقع و مناسب از سوی کارشناسان فرهنگی، چهره شدن عوامل مدعی و فرقه گرا به عنوان شخصیت های عرفانی و مقام های معنوی قائل شدن تا حد الوهیت برای آنها، ورود ادبیات مهاجر در قالب ترجمه کتاب های وارداتی، انتشار و دسترسی آسان به کتاب ها و موضوعاتی با مضامین عرفانی و عدم نظارت صحیح بر این جریانات فکری و انتشار نشریاتی با موضوعات ذکر شده به وسیله عوامل مدعی و فرقه گرا، را دلایل روی آوردن جوانان به فرقه های عرفانی منحرف می دانند. بدیهی است که بازشناسی فرهنگ غنی ایرانی و اسلامی و ارائه آن در قالب های جذاب می تواند اولین قدم برای جلوگیری از این پدیده منحط باشد.

فرقه های انحرافی

این دسته از مدعیان دروغین به مراتب خطرناک تر از سایر مدعیان هستند چرا که آنها علاوه بر سوء استفاده از مریدان خود باعث بدعت ها و انحرافات خطرناک در دین می شوند که زمینه را برای بدبینی به عقاید دینی به خصوص در بین جوانان فراهم می آورند. این فرقه ها به طور معمول با ایجاد یک هاله مقدس به دور رهبر فرقه و برگزیده شدن این شخص از طرف امام زمان (عج) به سوء استفاده های مختلف از اعضای خود و حتی تحقیر آنها اقدام می کنند. به عنوان مثال رئیس یکی از فرقه های انحرافی در جلسه هفتگی خود در یکی از شهرهای توابع استان تهران و در جمع مریدان خود گفت: "شما احق هستید شما نمی فهمید، من فقط می فهمم ما باید رب خود را بشناسیم. چوپان رب گوسفندان است و راه را نشان می دهد. من هم چوپان شما هستم من علم، اخلاق و عرفان می ریزم در دل شما پس من رب شما هستم شما باید رب خودتان را بشناسید من حاضرم در یک میدان جلوی چشم همه در آتش بروم و از آن طرف بیرون بیایم و با وسط آتش می نشینم و هر که می تواند در آتش بنشیند و تمام نهادهای اطلاعاتی امنیتی هم با من هستند از هیچ چیز ترسید."

اعضای این فرقه با طرح شبهات و مطالب اغراق آمیز طرفداران بیشتری را جمع می کنند و از شرکت کنندگان در جلسات خود می خواهند که رهبر این فرقه را راه نجات موجودات بدانند. این فرقه ها معمولاً برای جذب جوانان از کمک های مالی و معنوی و حتی از روش های عجیب و خلاف قانون استفاده می کنند. یکی از این فرقه ها برای جلب بیشتر جوانان مدعی است که هر کس که به دین آنها بگردد با سایر اعضای فرقه محرم شده و می تواند بدون حجاب باشد. این فرقه که از افرادی کم سواد تشکیل شده است با طرح "دین بدون مذهب" به تبلیغ اندیشه های خود می پردازد و پیروان آنها مطابق دستور رهبران فرقه که ادعا دارد به عنوان امام آخر الزمان برگزیده شده است، شهادتین در اسلام و شیوه اقامه نماز را هم تغییر داده اند.

اما مسئله مهم در این بین این است که بعضی از این فرقه ها که عقاید آنها زمینه ساز انحراف های وسیع در بین جامعه و بخصوص جوانان می شود، آزادانه در حال فعالیت هستند و با انتصاب خود به ائمه معصومین و یاران بزرگوار آنها، عقاید خود را درست و دینی جلوه دهند. این فرقه ها که سابقه بدی به لحاظ نزدیکی به رژیم شاهنشاهی سابق نیز دارند، با گسترش فعالیت های وسیع تبلیغاتی خود که حتی شامل ارتباط با جریانهای خارجی نیز می شود، سعی در تبلیغ افکار خود در ابعاد جهانی دارند. فرقه های مذکور که ید طولانی در انحراف اصول دینی دارند، با مظلوم نمایی در برابر واکنش مردم متدین نسبت به

اعمال خود، نظام و دستگا های انتظامی و قضائی را مسئول چنین اتفاقاتی می دانند و به تبلیغ علیه نظام می پردازند. گرچه در ابتدا به نظرمی آید که عقاید این فرقه ها چندان از اصول دین و عقاید شیعیان دور نیست ولی اگر با دقت به آنها توجه شود، این عقاید می تواند باعث ایجاد انحرف های خطرناک و ظهور مدعیان دروغین، به واسطه عدم درک صحیح این فرقه ها از دین و پایبند نبودن آنها به عدم مشخص نبودن نایبان امام زمان (عج) و منتصب کردن بزرگان خود به نمایندگی از امام زمان (عج) شود. وقتی نگاه کلی به پدیده عنکبوتان دنیادار بیندازیم، درخواستیم یافت که شناخت عوامل پدیدآورنده این موضوع نیازمند تحقیقات گسترده و عمیق است. بی شک جهل، یکی از عوامل مهم در این میان است؛ منظور از جهل صرفا نداشتن سواد خواندن و نوشتن نیست، بلکه نداشتن معرفت دینی است؛ مدعیان تحصیل کرده گواه این موضوع هستند. همچنین قبل از صدور هرگونه حکمی درباره این مدعیان، در وهله اول باید از سلامت روانی این افراد اطمینان حاصل کرد، زیرا برخی از رفتارهای آنان این موضوع را القاء می کند که آنان بیمارند. اخاذی های بی شمار و فساد اخلاقی، که فصل مشترک و غایبی اغلب این مدعیان دروغین است، این مسئله را پیش می کشد که سودجویی مالی و شهوات جنسی چه نقش تعیین کننده ای در بیان ادعاهای دروغین دارد. با این حال تکلیف يك انسان مومن که در معرض این تهدیدات زندگی می کند چیست و چگونه می تواند ایمان خود را منزه نگاه دارد؟ به نظر می رسد پیشه کردن «تقوا» تنها راه ممکن است.

نوشته شده توسط محسن سالک اکمل